

یادداشت اختصاصی سید احسان خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی

بازنگاه: توفیقات اقتصادی ۲ ساله دولت سیزدهم

یادداشت

پس از گذشت دو سال از مسئولیت وزارت امور اقتصادی و دارایی، فرصت مغتنمی است تا بازنگاهی نسبت به سیاست‌ها و اقدامات انجام شده و چشم‌انداز آینده داشته باشیم تا در دریای پرتلاطم و روزمرگی اقتصاد ایران، فانوس دریا و قطب‌نمای حرکت را گم نکنیم. در ابتدا مایلیم میان دو مقام تفکیک قائل شوم: نخست؛ در مقام وظایف مستقیم وزارت امور اقتصادی و دارایی و دوم؛ در مقام یکی از اضلاع تیم اقتصادی دولت.

در مقام اول، سیاست‌های کلیدی و برخی دستاوردها در پی پیگیری تدابیر تحولی، حول ۹ محور اصلی رقم خورده است:

- تسهیل مجوزها و مقررات به نفع تولید و فعالیت کسب‌وکارها با صدور بیش از نیم میلیون مجوز برخط به کارفرمایان
- به همراه کاهش زمان تشریفات گمرکی انضباط جدی بودجه دستجات‌های دولتی از جمله تکمیل حساب واحد خزانه و صفرشدن استقراض نتخواه برای منابع عمومی بوده
- هوشمندسازی و عدالت در مالیات‌ستانی (به ویژه مبارزه با فرار مالیاتی با افزایش مؤدیان از ۲/۹ به ۵/۵ میلیون نفر به همراه تحقق عدالت منطقه‌ای در بازگشت منابع به استان‌ها)
- شفافیت بی‌اغماض در شرکت‌های دولت با انتشار بی‌سابقه صورت‌های مالی ۱۲۰۰ شرکت دولتی و عمومی
- جوان‌گرایی در عین تشدید نظارت و افزایش کارایی در بانک‌های دولتی و خروج تمام بانک‌های دولت (به جز سپه) به دلیل انعام) از زیان‌دهی به واسطه این اقدامات

اصلاح سازگارتأمین مالی مانند ۲۰ برابر شدن تسهیلات ترجیحی اشتغال‌زایی تصریح ۱۸ با نظارت سامانه‌های، تأسیس گواهی سپرده طلا، نفت و...
سپردن تدریجی صندلی مدیریتی بیش از ۳ شرکت بزرگ سهام عدالت به نهادهای مردمی
افزایش ۲ برابری جریان سرمایه خارجی به نسبت سال آخر دولت مانند: فعال کردن کمیسیون مشترک چین و عراق که مجموعاً ۴۵ درصد تجارت کشور را به خود اختصاص می‌دهند. تأسیس بانک و بیمه مشترک در سوریه و شرکت سرمایه‌گذاری مشترک با عمان

اصلاح نظام بورسی کشور شامل: رانت‌زدایی در قالب حمایت از بورس کالا
سالم‌سازی ارکان بورس اوراق
افزایش عرضه اولیه و افزایش ۱۰۰ همت سرمایه‌گذاری شرکت‌های بورسی نسبت به سال ۱۴۰۰.

در مقام دوم، به عنوان یکی از اضلاع تیم اقتصادی دولت نیز سیاست‌های

دستگاه‌های متولی بیشتر مشغول تدابیر طرف عرضه و تولید مسکن هستند. این در حالی است که اگر سامانه جامع تجارت ویژه در بخش انبارها تکمیل و با سامانه‌های بورس کالا و نهادهای نظارتی متصل شده بود، سودجویان فرصت نداشتند از خلأ نظارتی در بازه توزیع کالا تا این حد سوءاستفاده کنند. همچنین اگر سامانه‌های نظارت گردش سپرده‌ها، تسهیلات و صرافی‌های کشور فعال بود فرصت حملات سفته‌بازانه ارزی و ریالی به بازارها به حداقل می‌رسید و ده‌ها مثال دیگر.

ضرورت انطباق سیاست تجاری و ارزی

با توجه به لزوم مقاومت‌سازی اقتصاد کشور، بارها تأکید کرده‌ایم که عمده حواله‌های وارداتی باید از همان مبدا باشد که ارزهای صادراتی ایران در آنجا خلق می‌شود. این امر بویژه در خصوص واردات اقلیمی همچون نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی ضروری است. باید تأکید کرد که آمریکا تمایل دارد ایران واردات را از یکی دو مسیر خاص تحت نظر آنجا انجام دهد. این تمایل با هدف کانالیزه کردن، رصدپذیری و در لحظه نیاز، سپوزاندن کانال‌های واردات کالاهای اساسی مورد نیاز سفره مردم و همچنین ارز مورد نیاز از سوی این کشور پیگیری می‌شود. این در حالی است که ضرورتی نیست که هم شرکت بازرگانی دولتی ایران و سایر بازیگران بزرگ مقیاس در حوزه واردات و هم بانک مرکزی چرخش از غرب به سمت آسیا را در دستور کار قرار دهند. با واردات مستقیم آسیایی، نه تنها دکان دلان غیررسمی محدود می‌شود بلکه هزینه مبادله تجارت خارجی کاهش می‌یابد و فشار تأمین درهم یا یورو از بانک مرکزی برداشته می‌شود. این امر مستلزم تغییر رویه ناترازی‌ها است. در ادامه دیدگاه خود را پیرامون ۷ محور از اصلاحات بین‌بخشی که دچار شکست هماهنگی در همه دولت‌ها بوده است، ارائه می‌کنم:

مقابله با جنگ ارزی نیمه دوم سال ۱۴۰۱

لازم است ذکر شود که برخی نابسامانی‌ها در قیمت‌گذاری و ضعف در تنظیم بازار کالاهای خاص نیز یک نقطه ضعف و عامل نارضایتی بوده است که انصاف حکم می‌کند آن را نیز ذکر کنیم. باید دانست که فرصت برای شروع برخی اصلاحات ساختاری و رفع ناترازی‌های تاریخی اقتصاد ایران وجود داشته و دارد که فراتر رفتن از سطوح فعلی رشد اقتصادی مستلزم تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است. در ادامه دیدگاه خود را پیرامون ۷ محور از اصلاحات بین‌بخشی که دچار شکست هماهنگی در همه دولت‌ها بوده است، ارائه می‌کنم:

ضرورت تکمیل و اتصال سامانه‌های هوشمند حکمرانی

این مسیری است که در دولت سیزدهم مورد توجه بوده است اما کشور نیازمند تمرکز بر تکمیل سریع آنها به مثابه یک اولویت است. اگر سامانه‌های املاک و اسکان یا سامانه‌های کاداستر در دو سال اخیر دشوار اما پرمفعت است که سال‌ها به دلیل فراخشی بودیم، آن را مدیریت خارج شده بود. اگر افزایش تولید خودرو به معنای رونق سنی‌کی دی نباشد باید پذیرفت که این تنها به بهای افزایش نیاز

زمان دیگری ضروری است راهبردی غیرقیمتی و قیمتی میان‌مدت برای کاهش ناترازی و شدت مصرف انرژی اتخاذ شود. بدون شک، «تمرکز بر بهیمنی مصرف»، «کاهش اتلاف انرژی» و «افزایش راندمان نیروگاه‌ها و زیرساخت انتقال برق» برای رفع ناترازی نسبت به راهکارهای افزایش تولید ارجحیت دارد.

شرکت‌هایی که بتوانند مصرف انرژی را در یکی از بخش‌های تولیدی، حمل‌ونقل یا در یکی از استان‌ها کاهش دهند باید از طریق مابذاری جذاب گواهی صرفه‌جویی انرژی (مانند حواله نفت) پاداش دریافت کنند و بازاری برای مبادله گواهی‌های صرفه‌جویی ایجاد شود. پس از این مرحله است که می‌توان وارد رهنمای ایجاد بازار سهمیه انرژی برای هر کدملی شد. باید تأکید کرد که بخش انرژی فرصت بزرگ و بی‌بدیل اقتصاد ایران است.

ضرورت اتخاذ سیاست پولی

سیاست پولی یک وجه سلبی دارد که نباید زمینه کاهش ارزش پول ملی و رشد سرسام‌آور نقدینگی را فراهم کند و یک وجه ایجابی دارد که باید بتواند هدایت اعتبار را به سمت پروژه‌های پیشران و فعالیت‌های مولد تسهیل و تشویق کند. در گذشته مقام پولی نسبت به وجه ایجابی کاملاً بی‌اعتنا و بی‌اعتقاد بود اما امروز که همکاری میان بانک مرکزی و ارکان اقتصادی دولت وجود دارد باید از رویکرد منفعلانه در خصوص پایه پولی به سمت سیاست فعالانه حرکت کرد. در غیر این صورت، همانند سال گذشته که اضافه برداشت بانک‌ها (بدون هدف‌گذاری پیش‌بینی) سهم بالای پایه پولی را به خود اختصاص داد، در آینده نیز اجزای پایه پولی می‌توانند بدون اینکه در مسیر پیشران‌های تولید قرار گیرند، عمل کنند. در شرایطی که

لازم است کل‌های پولی [M1] و ترانزاهه بانک‌ها به دلیل کنترل نقدینگی کنترل شود، گریزی نداریم از اینکه بر مسأله «کیفیت نقدینگی» تمرکز کنیم و با هدایت اعتبار، اجازه دهیم تأمین مالی در بخش پیشران‌های تولید از نفس نیفتد.

ضرورت اصلاح ناترازی بانکی

خوشبختانه توافق کلی برای مقابله با بانک‌های ناتراز و ذاتاً ناسالم وجود دارد اما ضروری است سرعت پیشبرد سیاست افزایش باید و جسارت بیشتری برای تصمیمات سخت داشته باشیم. این بانک‌های ناتراز ناسالم، عامل رقابت بر سر نرخ سود و مزوج بی‌قاعدگی اقتصادی نیز باید رابطه بلندمدت با فقط یک یا دو بانک مرتبط با حوزه خود برقرار کنند تا امکان قراردادهای بلندمدت «اطلاعات نامتقارن» و در نتیجه رخ دادن «مخاطره اخلاقی و انتخاب معکوس» به حداقل برسد.

ضرورت تحول در بوروکراسی بین‌بخشی

یکی از لوازم اصلاح ساختاری در اقتصاد، غلبه بر مانع هماهنگی بین‌بخشی و بوروکراسی‌های درون دستگاه‌ها است. این موضوعی است که مستقلاً باید مدنظر سازمان برنامه و بودجه یا سطح معاون رئیس‌جمهور قرار گیرد. تجربه دو سال اخیر آشکارا نشان می‌دهد بسیاری از سازکارهای سنتی، حمایت‌های جاهلی رسوب کرده در دستگاه‌ها و برخی بوروکرات‌ها، منفعت خود را در تداوم عیوب ساختاری می‌بینند و بنابراین در همکاری‌های بین‌بخشی کارشناسی می‌کنند. مقصود، اغراض جناحی برخی افراد نیست بلکه رویه‌های بخشی‌نگر، جسبندگی‌های منفعتی و روحیه‌های غیرجهادی است که زمان هر کدام از این اصلاحات ساختاری را طولانی و جریان انقلابی را نامید می‌سازد. امید است با تمرکز تدابیر میان مدت بر محورهای هفتگانه یادشده، بتوان سقف تاریخی رشد اقتصاد ایران را شکافت و طرحی نو درنهاد و هم‌زمان بر آسیب‌پذیری‌های ساختاری آن نیز چیره شد.

برخی نابسامانی‌ها

در قیمت‌گذاری و ضعف در تنظیم بازار کالاهای خاص نیز یک نقطه ضعف و عامل نارضایتی بوده است که انصاف حکم می‌کند آن را نیز ذکر کنیم. باید دانست که فرصت برای شروع برخی اصلاحات ساختاری و رفع ناترازی‌های تاریخی اقتصاد ایران وجود داشته و دارد که فراتر رفتن از سطوح فعلی رشد اقتصادی مستلزم

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است



تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

تصمیم دربارۀ این ناترازی‌ها است

گزارش «ایران» از تزییع حقوق ملی در دولت گذشته

هزاران میلیارد تومان عاید رانت خواران معادن شد



حقوق دولتی معادن، مربوط به سه استان کرمان، خراسان رضوی و یزد بوده است. کارشناسان عنوان می‌کنند که از دلایل مهم توقیف در پرداخت حقوق دولتی، مربوط به سیستم‌های غیرشفاف ثبت اطلاعات اداری، آماری قابل توجهی از این رانت‌ها توسط شرکت‌های فولادی و نفتی بوده است. به عبارت دیگر سودهای سرسام‌آور (چند ۱۰۰ درصدی) فولادی‌ها و نفتی‌ها در حالی است که مرکز پژوهش‌های مجلس عنوان کرده که درآمد حاصل از حقوق دولتی معادن می‌تواند سالانه به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کند. آمار دیگری گواه آن است که تا پایان سال ۹۹ میزان دهمی معوق حقوق دولتی معادن ۲۴ همت بوده است و تنها به میزان ۱/۸ همت (معادل ۸ درصد مطالبات حقوق دولتی دولت) در ابتدای سال ۱۴۰۰ اخذ شده است، ضمن اینکه می‌بایست ۵۷ همت دیگر وصول می‌شد تا ۶۵ درصد حقوق دولتی معادن وصول شود. بر این اساس باید عنوان کرد که ۹۱/۲ درصد از معوقات

تولید

حقوق دولتی معادن، مربوط به سه استان کرمان، خراسان رضوی و یزد بوده است. کارشناسان عنوان می‌کنند که از دلایل مهم توقیف در پرداخت حقوق دولتی، مربوط به سیستم‌های غیرشفاف ثبت اطلاعات اداری، آماری قابل توجهی از این رانت‌ها توسط شرکت‌های فولادی و نفتی بوده است. به عبارت دیگر سودهای سرسام‌آور (چند ۱۰۰ درصدی) فولادی‌ها و نفتی‌ها در حالی است که مرکز پژوهش‌های مجلس عنوان کرده که درآمد حاصل از حقوق دولتی معادن می‌تواند سالانه به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کند. آمار دیگری گواه آن است که تا پایان سال ۹۹ میزان دهمی معوق حقوق دولتی معادن ۲۴ همت بوده است و تنها به میزان ۱/۸ همت (معادل ۸ درصد مطالبات حقوق دولتی دولت) در ابتدای سال ۱۴۰۰ اخذ شده است، ضمن اینکه می‌بایست ۵۷ همت دیگر وصول می‌شد تا ۶۵ درصد حقوق دولتی معادن وصول شود. بر این اساس باید عنوان کرد که ۹۱/۲ درصد از معوقات

گرانفروشی و سودهای سرسام‌آور

مدیر کارگروه تحقیقاتی معدنی شهید خوشنویس، در خصوص توزیع هزاران میلیارد تومان رانت معدنی در دولت روحانی به «ایران»، گفت: بخش قابل توجهی از این رانت‌ها توسط شرکت‌های فولادی و نفتی بوده است. به عبارت دیگر سودهای سرسام‌آور (چند ۱۰۰ درصدی) فولادی‌ها و نفتی‌ها در حالی است که مرکز پژوهش‌های مجلس عنوان کرده که درآمد حاصل از حقوق دولتی معادن می‌تواند سالانه به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کند. آمار دیگری گواه آن است که تا پایان سال ۹۹ میزان دهمی معوق حقوق دولتی معادن ۲۴ همت بوده است و تنها به میزان ۱/۸ همت (معادل ۸ درصد مطالبات حقوق دولتی دولت) در ابتدای سال ۱۴۰۰ اخذ شده است، ضمن اینکه می‌بایست ۵۷ همت دیگر وصول می‌شد تا ۶۵ درصد حقوق دولتی معادن وصول شود. بر این اساس باید عنوان کرد که ۹۱/۲ درصد از معوقات

تومان، همان طور که می‌دانید قیمت واقعی که باید سنگ آهن در بورس کالا معامله شود ۵۰ درصد قیمت و ارزش جهانی سنگ آهن تولید شده است اما تجربه نشان می‌دهد بنا به اتفاقاتی که در بورس کالا رخ می‌دهد این قیمت معادل قیمت جهانی بلکه بیش از آن است. یعنی اگر فروش بر اساس قیمت جهانی باشد که در واقعیت هم هست؛ مجموع فروش سنگ آهن در یک سال ۳۰۰ همت ارزش خواهد داشت. اگر قیمت تمام شده سنگ آهن را حساب کنیم و ۲۰ درصد هم برای تولیدکننده حاشیه سود در نظر بگیریم مابقی فروش حدود ۲۰۰ همت می‌شود و این به منزله آن است که دولت باید بقیه درآمد ۲۰۰ همتی را از آن خود کند. با توجه به عدد پیش‌بینی شده ۱۰ همتی در بودجه ۱۴۰۰ حدود ۱۹۰ همت به شکل رانت وارد جیب تولیدکنندگان سنگ آهن شد.

رشد ۱۰۰ درصدی

رقم حقوق دولتی معادن در سال ۱۴۰۱ به ۴۰ هزار میلیارد تومان رسیده، این رقم در سال ۱۳۹۹ فقط ۶۶ هزار میلیارد تومان بوده که با رشد چشمگیری در سال ۱۴۰۰ به ۱۹/۲ هزار میلیارد تومان و سپس با رشد بیش از ۱۰۰ درصدی به عدد یاد شده رسیده است. رشد ۱۰۰ درصدی برابر درآمد از حقوق دولتی معادن طی دوره اول دولت روحانی یعنی بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ دولت با ادعای حمایت از معادن، قید دریافت بخش قابل توجهی از حقوق دولتی را زد و در این مدت حقوق دولتی از ۵۲۹ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۲ به ۴۲۶ میلیارد تومان تا سال ۱۳۹۵ به ۷۱۹ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۷ رسید. سال ۱۳۹۷ نیز هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان حقوق دولتی توسط معادن کشور به حساب خزانه دولت واریز شد.

تخلّف برداشت‌های غیر مجاز

در دولت روحانی، خیلی از بهره‌برداران معادن، ترک فعل کردند و حقوق دولتی معادن را پرداخت نکردند؛ بدهکاران حتی به سازمان امور مالیاتی معرفی نشدند. بر این اساس دولت گذشته به ماده ۴۸ قانون محاسبات عمومی کشور که وصول مطالبات است، توجهی نکرده است. عدم رعایت مفاد ماده ۵۵ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن، عدم رعایت ماده ۶۵ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن (در صورت عدم پرداخت حقوق دولتی می‌بایست از محل تضمین کسر و مجدداً تجدید تضمین صورت گیرد) که البته وجه تضمین تکافو نمی‌کند، چرا که روز بروز نشده است. همچنین در دولت روحانی معادن ۴۳ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن (ارائه تضمین معادل ۶ ماه حقوق دولتی) و ماده ۱۹ قانون معادن برای برداشت‌های غیر مجاز، رعایت نشد.

برش

رضا جدیدی، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و بودجه سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی، گفته است: ۷۵ درصد حقوق دولتی دریافتی مربوط به ۸ معدن بزرگ کشور است. مشکل اینجاست که حقوق دولتی به عنوان منابع پایدار کشور در نظر گرفته می‌شود اما بررسی‌ها نشان می‌دهد سال‌های ذخیره معادن بزرگ کشور، سال‌های انتهایی است. در چنین شرایطی این سؤال وجود دارد که چرا در دولت روحانی به حقوق دولتی توجه نشده و رانت‌های توزیع شده چه میزان درآمد برای رانت‌خواران ایجاد کرده است؟

حقوق دولتی واریز شده از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ (میلیارد تومان)	سال	میزان درآمد دولت
۱۳۹۱	۲۲۰	۲۲۰
۱۳۹۲	۵۲۹	۵۲۹
۱۳۹۳	۵۰	۵۰
۱۳۹۴	۲۲۹	۲۲۹
۱۳۹۵	۲۲۶	۲۲۶
۱۳۹۶	۷۲۹	۷۲۹
۱۳۹۷	۱۲۳۹	۱۲۳۹
۱۳۹۸	۱۸۷۱	۱۸۷۱
۱۳۹۹	۶۶۲۲	۶۶۲۲
۱۴۰۰	۱۹۰۰	۱۹۰۰
۱۴۰۱	۴۰۰۰	۴۰۰۰

عنوان کرد: نحوه تعیین و محاسبه حقوق دولتی در کشورهای مختلف جهان متفاوت است، اما دلیل وضع آن یعنی پرداخت به مالک منابع معدنی در ازای بهره‌برداری از معادن، کمابیش یکسان است؛ به عبارت دیگر فلسفه اخذ حقوق دولتی از اشخاص حقیقی و حقوقی که به نوعی از منابع ملی مانند معادن بهره‌برداری می‌کنند این است که اولاً معادن ثروت‌های ملی یک کشور هستند که عموم جامعه باید از منافع آن سود ببرند، ثانیاً دولت باید برای توسعه معادن زیرساخت‌های مختلفی چون داده‌های زمین‌شناسی، جاده، ریل، بنادر تجاری و منابع انرژی را فراهم سازد، ثالثاً در اثر فعالیت‌های معدنی به محیط زیست، منابع طبیعی و جوامع محلی آسیب‌هایی وارد می‌شود که باید جبران شوند.

برش

سال‌های انتهایی ذخایر معادن بزرگ رضا جدیدی، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و بودجه سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی، گفته است: ۷۵ درصد حقوق دولتی دریافتی مربوط به ۸ معدن بزرگ کشور است. مشکل اینجاست که حقوق دولتی به عنوان منابع پایدار کشور در نظر گرفته می‌شود اما بررسی‌ها نشان می‌دهد سال‌های ذخیره معادن بزرگ کشور، سال‌های انتهایی است. در چنین شرایطی این سؤال وجود دارد که چرا در دولت روحانی به حقوق دولتی توجه نشده و رانت‌های توزیع شده چه میزان درآمد برای رانت‌خواران ایجاد کرده است؟